

■ مطالعه مفید و اثر بخش
از نگاه آیات و روایات
سهراب مروتی | محسن حسن وندی

■ چکیده

هدف: بررسی مفاهیم مرتبط با خواندن در آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، تبیین شیوه‌های بهره‌گیری مطلوب از مطالعه و کتابخوانی، و تحلیل راهکارهایی برای اثربخش نمودن فرایند مطالعه صحیح
روش/رویکرد پژوهش: تحلیل محتوا.
یافته‌ها: تعداد قابل توجهی از آیات و احادیث معصومین (ع) استخراج شد که از جنبه‌های مختلف، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مفاهیم مرتبط با مطالعه را مطرح می‌کنند.
نتیجه‌گیری: خواندن مورد توجه شارع مقدس بوده است و برای چگونگی اثربخشی آن در زندگی فردی و اجتماعی آدمی، راهکارهایی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها

کتاب، کتابخوانی، قرآن، حدیث

مطالعه مفید و اثر بخش از نگاه آیات و روایات

سهراب مروتی^۱ | محسن حسن وندی^۲

دریافت: ۱۳۹۱/۰۵/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

مقدمه

خداوند متعال قرآن کریم را به عنوان معجزه بر پیامبر اکرم (ص) نازل فرمود تا آن را بر مردم تلاوت نماید: "وَ اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا" (قرآن ۱۸: ۲۷). نخستین پیام آن نیز که در حقیقت آغازگر و نقطه شروع وحی و نزول آن است، خواندن و نوشتن و امر به آن است: "اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ" (قرآن ۹۶: ۱). در بعضی از آیات به تلاوت قرآن کریم سفارش شده است؛ زیرا یکی از مهم ترین اهداف نزول قرآن کریم، تغییر فرهنگ و عادات مردم آن عصر و نفوذ و تثبیت عناصر جدید فرهنگی در آن دوره و در زمان های بعد است. کتاب نیز همیشه در تاریخ، یکی از مهم ترین ابزارهای تغییرات فرهنگی بوده است و کتاب آسمانی قرآن این مهم را به عالی ترین وجه محقق می سازد. این تغییر فرهنگ مستلزم فهم معانی آیات قرآن کریم و فهم آن نیز مستلزم قرائت آن است. به همین دلیل در بسیاری آیات به قرائت قرآن به ویژه به قرائت سفارش^۳ و در کنار دعوت به قرائت قرآن، غیرمستقیم، به شیوه ها و روش های اثربخش کردن مطالعه اشاره شده است. غیرمستقیم از آن جهت که "قرآن کریم به نحو خاص در بیان آموزش ها از آن سود جست و در شکل و نظام آیات و جملات و کلمات آن تجلی یافته است" (برومند، ۱۳۷۹، ص ۳۸). در ادامه، عوامل مستقیم و غیرمستقیم در مطالعه اثربخش با ذکر نمونه آیات مرتبط با آنها می آید:

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

sohrab_morovati@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

(نویسنده مسئول)

hasanvafa88@yahoo.com

۳. علامه طباطبائی این نکته را به خوبی ذکر

کرده است: "...فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ..."

(مزمّل/۲۰)

هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید."

۱. عوامل مستقیم در مطالعه اثربخش

۱-۱. تدریج و فاصله

یکی از عوامل اساسی و تأثیرگذار در یادگیری، رعایت فاصله و زمانبندی مناسب برای مطالعه است. این عامل می‌تواند اثر مطلوبی بر یادگیری و فهم مطالب داشته باشد؛ زیرا مطالعه در فواصل زمانی مناسب همراه با استراحت، میزان یادگیری را بالا می‌برد و به تثبیت و حفظ آموخته‌ها در حافظه کمک می‌کند. درحقیقت، این امر تنوع در یادگیری را به دنبال دارد و مانع تراکم آموخته‌ها در مطالعه و یادگیری داده‌ها خواهد شد.

در سنت اسلامی، در امر آموزش و تعلیم، اصل تدریج و فاصله، سفارش و بر آن تأکید شده است. نزول آیات الهی بر پیامبر اکرم (ص) طی بیست و سه سال برای ابلاغ به مردم از جمله این موارد است:

"وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا" (قرآن ۱۷: ۱۰۶) "و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم."

"لفظ آیه با صرف نظر از سیاق آن، تمامی معارف قرآنی را شامل می‌شود، و این معارف در نزد خدا در قالب الفاظ و عبارات بوده که جز به تدریج در فهم بشر نمی‌گنجد، لذا باید به تدریج که خاصیت این عالم است نازل گردد تا مردم به آسانی بتوانند تعقلش کرده، حفظش نمایند" (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۰۵).

۲-۱. نشاط و آمادگی روحی

یکی از موضوع‌های مهم و قابل توجه در ارتباط با مطالعه و کتابخوانی و به تبع آن، یادگیری، انتخاب زمان است. عاملی که زمان مناسب برای مطالعه و یادگیری را مشخص می‌سازد، آمادگی و توانایی ذهن و فکر انسان است؛ زیرا آمادگی شخص فراگیر بر میزان آموزش و یادگیری او بسیار مؤثر است. هیچ چیز به اندازه سستی و کسالت و بی میلی مانع تعلیم و تعلم آدمی نمی‌شود و از اثرات آن نمی‌کاهد. حضرت علی (ع) در ارتباط با انجام مستحبات، بر شرط تمایل و نشاط سفارش کرده و می‌فرماید:

"إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ" (نهج البلاغه حکمت: ۳۱۲) "دل‌ها را روی آوردن و نشاط و پشت کردن و فراری است؛ پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وادارید و آنگاه که پشت کرده بی نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید". بنابر این اصل در حدیث معصوم می‌توان بیان

کرد، شخصی که به مطالعه می‌پردازد باید از لحاظ جسمی و نیز روحی، آمادگی کامل داشته باشد. در مقابل، هنگام بی‌حالی و سستی میزان یادگیری فرد کاهش می‌یابد. گفته دلشاد تهرانی این مطلب را تأیید می‌کند که "وادار کردن شخص به امری که تمایلی بدان ندارد یا توانایی آن در وی حاصل نشده است، مانعی جدی در شخص ایجاد می‌کند، حتی وادار کردن نفس به اندیشه درباره چیزی که - به دلیل خستگی یا ناتوانی و مانند اینها - از آن نفرت دارد، سبب افزونی بی‌میلی و ناراحتی و نفرت می‌شود و حجاب و مانعی سخت در ذهن و خیال و اندیشه آدمی به وجود می‌آید و نمی‌گذارد آنچه را که اندیشیده است ادراک کند و به درستی دریابد" (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۴).

حضرت علی (ع) در کتاب کافی در مورد هفتم از امتیازات و نشانه‌های علم، می‌فرماید: "وَهَمَّتْهُ السَّلَامَةُ" یعنی حرکت و انگیزش برای کسب علم و تداوم و ماندگاری آن در قلب و روح سالم صورت می‌گیرد؛ زیرا لازمه کسب علم برخورداری از قوه تفکر و تدبیر است و روح بیمار مانع از چنین امری خواهد بود (کلینی، ۱۴۲۹ق). می‌توان گفت، شروع مطالعه با یاد و نام خداوند متعال به طور قطع، نتایج مثبتی را به دنبال خواهد داشت و والاترین و بارزترین آرامش روح و روان آدمی در پرتو یاد و نام خداوند میسر خواهد شد: "الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" (قرآن ۱۳: ۲۸) "همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد".

بنابراین متعلم باید هنگام درس و مطالعه، از عوامل ایجاد ناراحتی‌های روحی و درگیری‌های ذهنی که از موانع فهم صحیح و عمیق مطالب است، دوری جوید.

۳-۱. آرامش و سکوت

آرامش و سکوت در هنگام مطالعه سبب تمرکز ذهن بر روی مطالب و دقت در مفاهیم شده و در نتیجه افزایش یادگیری را به همراه می‌آورد. از جمله عواملی که در ایجاد آرامش در فرد هنگام مطالعه و افزایش میزان بازدهی و بهره‌وری از آن تأثیرگذار است، انتخاب مکان و فضای مناسب است. "فراهم آوردن مکانی مناسب برای مطالعه، ضمن ایجاد شرایط روانی مطلوب و افزایش علاقه به مطالعه، به تمرکز حواس نیز می‌انجامد و از توجه به مسائل حاشیه‌ای - که مکان مطالعه می‌تواند موجد آن باشد - ممانعت به عمل می‌آورد" (شجری، ۱۳۷۹، ص ۳۱). به طور معمول، در گام نخست آنچه که در انتخاب مکان مناسب برای مطالعه مورد توجه قرار می‌گیرد، آرامش مکان برای اجتناب از شلوغی و ازدحام و دیگر عوامل مزاحم است. انتخاب زمان مناسب نیز می‌تواند شرط آرامش و سکوت برای مطالعه را فراهم سازد.

شب هنگام از بهترین مواقعی که ذهن و فکر آدمی آرام و برای آموزش و یادگیری مستعد است: "قرآن و روایات، مراحل مختلف شب را بهترین اوقات برای تفکر، فهم مطلب و کسب علم و دانش معرفی می‌کند. مضاف بر آن که از نظر قرآن، شب همچنین بهترین زمان برای خواب و تجدید قوای ذهنی و جسمی برشمرده شده است" (برومند، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵). زیرا در هنگام شب بسیاری از امور روزمره که ممکن است ذهن انسان را به خود مشغول دارد، دست‌کم به صورت موقت وجود ندارد. از جمله می‌توان به وقت نماز شب اشاره کرد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: "إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا" (قرآن ۷۳: ۶) "قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار در آن هنگام راستین‌تر است" زیرا در شب به خاطر آرامش و سکوت طبیعی، میزان توجه به آیات و درک معانی آن افزایش می‌یابد.

ابن کثیر دمشقی (۴۱۹ق) در تفسیر این آیه گفته است: بیدار ماندن (و عبادت) بهترین تناسب را میان دل و زبان ایجاد می‌کند و مناسب‌ترین وقت برای تلاوت (قرآن) است. به همین دلیل، خداوند می‌فرماید: "هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا" یعنی "انسان با خاطری جمع‌تر از روز به قرائت قرآن و فهم آن می‌پردازد. چون روز، هنگام رفت و آمد مردم و سخن گفتن و کسب معاش آنهاست" (نجاتی، ۱۳۶۷).

۴-۱. تکرار و تهرین

از دیگر عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز مطالعه موفق و کاربردی باشد، تکرار در مطالعه منبع مطالعاتی و مرور یافته‌هاست. تکرار در مطالعه از یک طرف به کسب مفاهیم جدید منجر می‌شود و از طرف دیگر، به ماندگاری آموخته‌ها و مطالب در ذهن فرد کمک می‌کند.

قرآن کریم برای تثبیت و اثرگذاری برخی حقایق و واقعیت‌ها همچون امور مربوط به وحدانیت خداوند متعال، دعوت به تفکر و تعقل، اجتناب از گناه و جز آن، آنها را در جای‌جای سوره و آیات قرآن کریم، تکرار می‌کند. زیرا تکرار مفاهیم باعث تثبیت و اثرگذاری در اذهان مردم خواهد شد. از جمله این موارد، آیات مربوط به یکتایی و یگانگی خداوند متعال به صورت مکرر در سوره نمل است (قرآن ۲۷: ۶۰-۶۴)، یا در سوره الرحمن که آیه "فَبَأَىٰ الْأَءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ" بارها تکرار شده است.

نصیرالدین طوسی نیز بر نقش تکرار در حفظ و یادگیری تأکید کرده است: "و شایسته است که طالب علم برای خودش در تکرار درس اندازه‌ای قرار دهد؛ چون این کار باعث می‌شود تا به آن اندازه نرسد، دلش آرام نگیرد و خوب است که درس روز گذشته را پنج مرتبه و دروس روز قبل از آن را چهار مرتبه و روز قبل از آن را سه مرتبه و قبل از آن را دو مرتبه و روز قبل از آن را یک مرتبه تکرار نماید که این کار منجر به حفظ درس می‌شود"^۱

۱. "وَيَنْبَغِي لِلطَّالِبِ الْعِلْمَ أَنْ يُعَدَّ وَيَقْدَرُ لِنَفْسِهِ تَقْدِيرًا فِي التَّكْرَارِ. فَإِنَّهُ لَا يَسْتَقَرُّ قَلْبُهُ [نَفْسُهُ] حَتَّى يَبْلُغَ ذَلِكَ الْمَبْلَغَ. وَيَنْبَغِي أَنْ يُتَكَرَّرَ سَبَقُ الْأَمْسِ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَسَبْقُ الْيَوْمِ الَّذِي قَبْلَ الْأَمْسِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ وَسَبْقُ الَّذِي قَبْلَهُ ثَلَاثًا وَالَّذِي قَبْلَهُ اثْنَتَيْنِ وَالَّذِي قَبْلَهُ وَاحِدَةً فَهَذَا ادْعَى إِلَى الْحِفْظِ"

(طوسی، ۱۳۸۵، ص ۳۸-۳۹). شاید به این دلیل است که گفته می‌شود: "الدَّرْسُ حَرْفٌ وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ" (آشتیانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹۰).

البته باید توجه داشت که این تکرار مطالب زمانی مفید است که همراه با فهم آنها باشد: "زیاد فکر کردن و فهمیدن از زیاد تکرار کردن و درس خواندن سودمندتر است" (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۹۶). در غیر این صورت، تأثیری در روند رشد علمی شخص نخواهد داشت، چرا که تکرار محض و بدون تحلیل مطالب صرفاً به معنای حفظ و تثبیت مطالب، در ذهن برای یادآوری سریع آنهاست.

۵-۱. یادداشت‌برداری

از جمله شیوه‌های بسیار مناسب و تأثیرگذار در امر مطالعه و یادگیری و حفظ مطالب، یادداشت‌برداری است. با استفاده از این شیوه حجم مطالب کمتر و به ثبت مطالب در حافظه کمک می‌شود. به گفته محدثی (۱۳۸۹) "یادداشت‌برداری هنگام مطالعه یا پس از آن، از راه‌هایی است که مطالعات انسان را مفیدتر می‌سازد و زمان صرف‌شده برای مطالعه را بارور می‌گرداند. به تعبیر دیگر، یادداشت‌برداری خود نوعی از مطالعه به‌شمار می‌رود" (محدثی، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

در سیره معصومان (ع) نوشتن و یادداشت کردن مطالب، یکی از شیوه‌های مرسوم آموزشی بوده است. "آنان افزون بر سفارش‌های لازم به شاگردان خود در نوشتن آموزه‌ها، گاه خود مطالب را برای آنان می‌نوشتند و گاه مطالب را به گونه‌ای بیان می‌کردند که بتوانند یادداشت کنند و حتی گاهی آنان را بر یادداشت نکردن آموزه‌ها توبیخ می‌کردند" (حسینی زاده، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۵۶). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نیز بر این امر تأکید شده است.

ایشان فرمودند: علم و دانش را به بند آورید. عرض کردند: راه و رسم به بند کشیدن علم و دانش چیست؟ فرمود: کتابت و نگارش آن. و روایت شده است که مردی از انصار حضور پیامبر اکرم (ص) می‌رسید و در مجلس ایشان شرکت می‌جست و سخنانی از آن حضرت می‌شنید که سخت او را به وجد می‌آورد و برای او شگفت‌انگیز می‌نمود؛ ولی نمی‌توانست آنها را به خاطر بسپارد؛ لذا نگرانی خود را با حضرت در میان گذاشت. رسول خدا (ص) به او فرمود: "برای حفظ و نگهداری این سخنان از دست خویش مدد گیر و به دستش اشاره فرمود که گفتار و بیاناتش را بنویسد" (شهید ثانی، ۱۳۷۳، ص ۲۶۷-۲۶۸). چنانکه از این روایت برمی‌آید پیامبر اکرم (ص) بر امر نگارش در جهت حفظ مطالب و جلوگیری از نسیان و فراموشی آنها تأکید کرده است؛ زیرا که نگارش مایه‌های علمی، سبب پایداری و ماندگاری آنها می‌شود. "لذا گفته‌اند: کسی که معلومات و مایه‌های علمی

۱. "فَضِّلْ فِكْرَ وَتَفْهَمِ أَنْجَعُ مِنْ فَضْلِ تَكَرَّرٍ وَدِرَاسَةٍ"
۲. "وَقَدْ رَوَى عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: قَيِّدُوا الْعِلْمَ، قَبْلَ مَا تَقْبِيهِدُهُ؟ قَالَ كِتَابَتُهُ. وَ رَوَى أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ يَجْلِسُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَيَسْمَعُ مِنْهُ الْحَدِيثَ فَيَعْبِجُهُ فَلَا يَحْفَظُهُ، فَشَكَاهُ ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ كَيْ أَسْتَعِينَ بِمِمْبَنْكَ وَأَوْمًا بِيَدِهِ أَيْ خَطًّا"

خود را بر روی نوشت افزار و کاغذ نیاورد و آن را ثبت و ضبط نکند، نمی تواند این مایه ها را در شمار علم و دانش خویش محسوب کند [مَنْ لَمْ يَكْتُبْ عِلْمَهُ، لَمْ يُعَدَّ عِلْمُهُ عِلْمًا]. چون اینگونه مایه های ضبط نشده، فرار و گریزان است و تا آنگاه که نوشته نشود این سرمایه ها مورد دستبرد نسیان و تطاول فراموشی واقع می شود و حامل علم از آن تهیدست می گردد" (حجتی، ۱۳۸۷، ص ۴۲۷).

امام صادق (ع) در این باره می فرمایند: "اُكْتُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا" (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۶۶۳). "دانش را بنگارید زیرا شما بدون نگارش نمی توانید آن را حفظ کنید". ابوبصیر روایتی مشابه این روایت را از ایشان نقل می کند و می گوید: "دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْكِتَابِ إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا إِنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِي رَهْطٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ سَأَلُونِي عَنْ أَشْيَاءَ فَكَتَبُواهَا" (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۲۹۳). "بر ابي عبدالله (امام صادق (ع)) وارد شدم که فرمود چه چیز شما را از نوشتن بازمی دارد؟ شما هرگز یاد نخواهید گرفت مگر آنکه بنویسید. هم اکنون گروهی از اهل بصره از نزد من رفتند که از مسائلی از من سؤال کردند و آنها را نوشتند".

همچنین آمده است که "الْقَلْبُ يَتَكَلَّلُ عَلَى الْكِتَابَةِ: دل به نوشته اعتماد دارد" (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۲۹). این حدیث امام (ع) از سویی می رساند که نویسنده مطالب و نوشته ها نسبت به حفظ و بقا و ماندگاری آنها اعتماد و قوت قلب و اطمینان دارد؛ از آن روی که کمترین نوشته ها از قوی ترین حافظه ها قدرت ماندگاری و کارایی بیشتری دارند و از سوی دیگر، انسان ها به نوشته ها و آثار مکتوب و اعتبار آنها، اعتماد و اتکاء بیشتری دارند تا به آثار منقول و شفاهی.

۲. عوامل غیرمستقیم

۲-۱. فرهنگ اقتصادی

شرایط اقتصادی و سطح زندگی افراد جامعه از جمله عواملی است که می تواند در گرایش به تحصیل علم و به تبع آن، گرایش به مطالعه مؤثر واقع شود؛ بدین معنی که بین وضعیت اقتصادی افراد جامعه و میزان گرایش آنان به مطالعه رابطه مستقیم برقرار است. تجربه نشان داده است که وضعیت اقتصادی بر میزان گرایش افراد به کتابخوانی و مطالعه تأثیر مستقیم دارد؛ هرچه وضعیت اقتصادی افراد جامعه رو به ضعف باشد، به همان میزان گرایش افراد به مطالعه و تحصیل کم رنگ تر می شود.^۱

این امر، بدیهی است هنگامی که دغدغه تأمین معاش از دل مشغولی های انسان باشد، پرداختن به مطالعه در اولویت های بعدی و حتی جزو آخرین اولویت های او قرار خواهد گرفت.

۱. در این زمینه موارد استثنایی نیز یافت می شود که نباید آنها را از نظر دور داشت.

ناداری و فقر اقتصادی "مانع دست یافتن انسان به آموزش و پرورش و برخورداری از نتایج آنها می شود و در برابر رشد فکری و فرهنگی او حائل می گردد و او را از آگاه ساختن خود و شعله ور گرداندن نیروهای ادراکی باز می دارد و به همین جهت، عقب افتادگی در قلمرو فکری و فرهنگی (آموزشی و پرورشی) را بر انسان تحمیل می کند" (حکیمی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۰۳). نقطه مقابل فقر اقتصادی، یعنی تکاثر و زیاده خواهی و فزون خواهی نیز هم ردیف با فقر می تواند مانعی بر سر راه تحصیل علم و دانش باشد. تکاثر و زیاده خواهی، تفکر و اندیشه انسان ها را به خود مشغول می سازد: "الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ" (تکاثر/۱) "تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت". همچنان که فقر، عقل و اندیشه او را مشوش می سازد: "فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ" (همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است (نهج البلاغه حکمت: ۳۱۹).

۲-۲. فرهنگ سیاسی

سبک حکومت حاکمان در شیوه رفتاری و سبک زندگی مردم تحت سلطه خود، تأثیر بسیاری دارد. حضرت علی (ع) می فرمایند: "النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ" (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۸) که این سخن حکیمانه از ایشان میزان تأثیر عملکرد حکام یک جامعه و خط مشی آنها را در رفتار افراد آن جامعه در زمینه های مختلف روشن می سازد؛ اگر حکومت، حکومتی صالح و الهی باشد، مردم به صلح تمایل دارند و اگر فاسد باشد به فساد: "إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ" (نهج البلاغه نامه: ۳۱). تغییر قدرت و حاکمیت سیاسی در شیوه های تعلیم و تربیت نیز تأثیر خواهد گذاشت. شیوه حکومت و نوع نگاه دولتمردان به مسائل فرهنگی و در رأس آنها، فرهنگ کتاب و کتابخوانی، نقش بی بدیل و غیر قابل انکاری در ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی خواهد داشت. "در حکومت ستم، انسان ها به خواری کشیده می شوند، گناه و معصیت می کنند و دست به تباهگری می زنند و در حکومت عدل، استعدادها شکوفا می شود، خردها به کمال می رسد و حکمت و علم فراگیر می شود. شاخصه و نمونه اعلامی این تربیت با حضور حجت حق و خورشید مغرب، امام زمان (عج)، تحقق می یابد" (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۴۶). امام محمدباقر (ع) در وصف حکومتی که نمونه راستین حکومت الهی و بشر دوستانه است و نیز درباره میزان توجه به علم و حکمت و دانش در آن حکومت می فرمایند:

"تَوُنُّونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)". "در دولت مهدی (عج) به همه مردم علم و حکمت می آموزند تا آنجا که زنان در خانه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت می کنند" (نعمانی، ۱۳۹۷، ق، ص ۲۳۹).

بر همین اساس، باید گفت که بحث تحصیل دانش و یادگیری آن در دین اسلام از حد مسئله‌ای فردی و خصوصی فراتر می‌رود، متوجه تمامی افراد جامعه می‌شود و حتی حکومت‌های اسلامی را نیز در این امر شریک و سهیم می‌داند.

حضرت علی (ع) نیز ضمن بیان مطالبی، توسعه علم و دانش را جزو وظایف حاکم و حکومت اسلامی معرفی کرده است، می‌فرماید: "يُهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ. فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا...".^{۸۰} ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آنکه از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید...^{۸۱} (نهج البلاغه خطبه: ۳۴).

۳-۲. فرهنگ عمومی

محیط زندگی انسان یکی دیگر از عوامل مؤثر در سیستم فکری در ایجاد روحیه علمی و فراگیری افراد است. عامل محیط در رشد و شکل‌گیری شخصیت فرد به شیوه‌های مختلف تأثیرگذار است. "نوع عادات و مهارت‌هایی که فرد کسب می‌کند مربوط به اوضاع و احوال محیطی است که او در آن زندگی می‌کند" (شریعت‌مداری، ۱۳۷۱، ص ۸۰). از نظر اسلام، رابطه میان محیط و تربیت افراد، رابطه‌ای مستقیم و دوسویه است.

سه عامل فضای حاکم بر خانواده، دوستان و محیط اجتماعی - فرهنگی از مهم‌ترین عوامل محیطی هستند:

فضای تعلیمی و تربیتی خانه و خانواده اثر مستقیم و غیرقابل انکاری در گرایش فرد به کتاب و مطالعه دارد: "محیط خانه و خانواده نخستین محیط تربیتی است که انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و به ساماندهی شاکله تربیتی انسان می‌پردازد" (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲). یک محیط خانوادگی که در آن پدر و مادر اهل علم و ادب بوده و با دانش و اندیشه در ارتباط باشند، فرزند آن خانواده نیز با کتاب و مطالعه مأنوس شده و از این طریق، اندیشه خود را نسبت به اطراف خود و جهان هستی رشد و تعالی می‌بخشد. در مقابل، بی‌سوادی پدر و مادر و دوری و فاصله آنها از کتاب می‌تواند از مهم‌ترین موانع در سر راه علاقه‌مندی فرزند به مطالعه باشد؛ چرا که کودک بر دین و آیین و آداب و رسوم خانواده رشد و نمو کرده و از خوی و خصلت والدین و دیگر اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد: "كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَإِنَّمَا أَتَاهُ يَهُودَانَهُ أَوْ نَصْرَانَهُ" (معتزلی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۴۰) "هر نوزادی بر فطرت الهی به دنیا می‌آید. پس پدر و مادر او را به دین یهود و یا نصرانی گرایش می‌دهند".

محیط خانه و خانواده برای فرد حکم الگو را دارد. "تأثیر الگو و نقش‌پذیری انسان یک امر طبیعی است که از غریزه تقلید سرچشمه می‌گیرد" (امینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۸).
نقش و تأثیر دوستان و معاشران از مسائل عمده در تعلیم و تربیت اسلامی است. معاشرت با صالحان و خردمندان و اهل علم و فضل می‌تواند در گرایش انسان به نیکی‌ها و از جمله علم و دانایی مؤثر واقع شود. در قرآن کریم، بر نقش دوستان دونه‌مت در سرنوشت انسان اشاره شده است: "يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا" (قرآن ۲۵: ۲۸) "ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم".

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که "الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ" (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۸) "انسان بر دین و آیین دوست و همنشین خود است". این روایت نشان می‌دهد که دوستان و همسالان در ساختار و شخصیت فکری و تربیتی یکدیگر بسیار تأثیرگذار هستند تا آنجا که گفته شده است: "اصل همه فسادها از قرین بد خیزد" (غزالی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷).

در آرای علمای بزرگ اسلامی نیز به این عامل مهم تربیتی اشارات زیادی شده است، خواجه نصیر طوسی در بحث‌های تربیتی خود تأثیر هیچ چیز را در فرد بیشتر از تأثیر هم‌نشین و معاشر نمی‌داند و یادآور می‌شود: "هیچ چیز را نفس تأثیر، زیادت از تأثیر جلیس و خلیط نباشد" (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۵۵ نقل در عطاران، ۱۳۶۶، ص ۱۱۴).

محیط اجتماعی و فرهنگ حاکم بر یک جامعه، هم به عنوان عاملی مثبت و هم به عنوان مانعی در این راه، بر تعلیم و تربیت افراد آن جامعه تأثیر جدی دارد. روابط اجتماعی گسترده باعث شده است که رفتارها و آداب و رسوم یک جامعه راحت‌تر به جامعه دیگر انتقال یافته و انتقال افکار و اندیشه‌ها نیز سریع‌تر و گسترده‌تر صورت پذیرد. این امر، باعث شباهت اجتماعات گوناگون و هم‌رنگ شدن صفات و خُلقیات آنها در ابعاد مختلف شده است؛ تا جایی که شباهت آنها به یکدیگر بیش از شباهت و نزدیکی به خُلقیات خانوادگی شده است: "النَّاسُ بَزَمَانِهِمْ أَشَبُّهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ" (معتزلی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۲۰۹).

محیط و جریان زندگی اجتماعی است که می‌تواند یکی را اهل مطالعه و علم و دانش، دیگری را گریزان از کتاب و دانایی، یکی را اهل دوستی و محبت، و دیگری را اسیر دشمنی و عداوت کند. خداوند متعال در جای‌جای آیات قرآن کریم نقش محیط اجتماعی و فرهنگی را بر تربیت افراد متذکر می‌شود و می‌فرماید:

"وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ" (قرآن ۷: ۱۳۸) "و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. تا به قومی رسیدند که بر [پرستش] بت‌های خویش همت می‌گماشتند. گفتند: ای

موسی، همان گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده. گفت: راستی شما گروهی هستید که نادانی می کنید."

نتیجه گیری

از آنچه گذشت می توان گفت که کتاب و کتابخوانی و قرائت در دین اسلام ارزش والایی داشته و بر آن تأکید شده است و از همان آغاز دعوت اسلام، با محور قرار گرفتن وحی الهی این موضوع به عنوان بخشی از فرهنگ اسلامی درآمده و جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. با این حال، هرچند که آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) کمتر به طور مستقیم به موضوع مطالعه و پژوهش به معنای امروزی آن پرداخته اند، از لابلای این متون مقدس استنباط می شود که مطالعه و کتابخوانی روشمند، به عنوان اصلی ترین راهبرد توسعه و پیشرفت، یکی از شاخص های مورد توجه شارع مقدس بوده و برای چگونگی اثربخشی آن در زندگی فردی و اجتماعی آدمی راهکارهایی ارائه شده است که عمل به آنها موجب بهره برداری اثربخش از کتاب و کتابت خواهد شد. بدیهی است ارائه این مبانی و اصول برای طالبان علم و دانش، به ویژه دانشگاهیان مسلمان، از ضروریات است و در منابع و متون علوم انسانی جای آن خالی به نظر می رسد.

مآخذ

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق محمدحسین شمس الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۲). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان ج. ۱.
- آشتیانی، میرزا احمد (۱۳۶۲). طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز. تهران: کتابخانه صدوق.
- برومند، مهدی (۱۳۷۹). شیوه های تعلیم در قرآن و سنت. تهران: کتاب مبین.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۶). غرر الحکم و درر الکلم. (هاشم رسولی محلاتی، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۸۷). آداب تعلیم و تعلم در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرانی، حسین بن علی بن الحسین بن شعبه (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص). (علی اکبر غفاری تصحیح). قم: جامعه مدرسین.
- حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل البیت.
- حسینی زاده، علی (۱۳۸۰). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۳). الحیاقه (احمد آرام، مترجم)، قم: دلیل ما.

- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- _____ (۱۳۷۸). ماه مهرپرور: تربیت در نهج البلاغه. تهران: خانه اندیشه جوان.
- _____ (۱۳۷۹). منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه. تهران: دریا.
- شجری، فتح الله (۱۳۷۹). پاسخگویی خلاق. تهران: انجمن قلم ایران.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۱). روانشناسی تربیتی. تهران: امیرکبیر.
- الشهیدالثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۳). منیه المرید فی ادب المفید والمستفید (رضا مختاری، محقق). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عطاران، محمد (۱۳۶۶). آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک. تهران: مدرسه.
- غزالی، محمدبن محمد (۱۳۷۴). کیمیای سعادت (حسین خدیوچم، به کوشش). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق). اصول کافی. قم: دارالحديث.
- محدثی، جواد (۱۳۸۹). روش ها. قم: نشر معروف.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵). میزان الحکمه. قم: دارالحديث.
- معتزلی، ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- نجاتی، محمدعثمان (۱۳۶۷). قرآن و روان شناسی (عباس عرب، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- نصیرالدین طوسی، محمدبن محمدبن الحسن (۱۳۶۰). اخلاق ناصری (مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تصحیح و توضیح). تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۵). آداب المتعلمین (محسن احمدوند، مترجم). قم: نهانندی.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). الغیبه. تهران: نشر صدوق.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

استناد به این مقاله:

مروتی، سهراب؛ حسن وندی، محسن (۱۳۹۳). مطالعه مفید و اثربخش از نگاه آیات و روایات. مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۵ (۳)، ۱۵۱-۱۶۲.